



بانوان افتخار آفرین ایران زمین

آرتمیس یکم؛ بانوی دریاسالار ایران هخامنشی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ - ۱۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

بررسی ریشه نام آرتمیس (آرتمیز، آرمیشیا، آرمیژ) و معرفی این قهرمان دریاسالار ایرانی ریشه ی نام این بانو از واژه‌های ایرانی آرتا، آرت، آرته (از اوستایی یا پارسی کهن) که می‌تواند به بزرگ، خوب، پاک واژه‌شناسی شود، گرفته شده باشد. بنابر این واژه‌شناسی آرتمیس می‌تواند «بانوی پاک، بزرگ، ...» باشد. Anthon, Charles. "Artemis". In A Classical dictionary. Harper & Brothers. p.210. حتی در ویکیپدیا انگلیسی: #هم که به معرفی آرتمیس (الهه یونان باستان) که در اسطوره های یونانی آمده است ریشه نام این اسطوره را فا

زندگی، ریشه نام و جایگاه فرمانروایی که دلیری را با تدبیر همراه کرد

در تاریخ دریانوردی و فرماندهی نظامی ایران هخامنشی، نام **آرتمیس یکم**، یا **آرتمیسیا**، جایگاهی برجسته دارد؛ زنی که در لشکرکشی خشایارشا به یونان در سال **۴۸۰ پیش از میلاد**، فرماندهی بخشی از ناوگان شاهنشاهی را بر عهده داشت و افزون بر حضور در میدان نبرد، در تصمیم‌گیری‌های مهم نظامی نیز طرف مشورت پادشاه قرار گرفت. هرودوت، که مهم‌ترین گزارش بازمانده درباره او را نوشته است، هم از دلیری او سخن می‌گوید و هم از اندرزهایی که آن‌ها را برتر از مشورت دیگر فرمانروایان همراه خشایارشا می‌داند. [۱،۲]

اهمیت آرتمیس تنها در زن بودن یک فرمانده دریایی خلاصه نمی‌شود. آنچه شخصیت او را متمایز می‌کند، کنار هم قرارگرفتن چند ویژگی است: توان فرمانروایی، حضور مستقیم در جنگ، استقلال رأی و شهامت بیان نظری مخالف نظر اکثریت. در روایت زندگی او، دلیری و دوراندیشی در برابر یکدیگر قرار ندارند؛ بلکه دو بخش از شایستگی یک فرمانده‌اند.

آرتمیس که بود؟

آرتمیس فرمانروای **هالیکارناس**، از شهرهای ساحلی کاریا در جنوب غربی آسیای صغیر، بود. هرودوت نام پدرش را **لیگدامیس** آورده و نوشته است که تبار پدری او به هالیکارناس و تبار مادری‌اش به جزیره **کرت** می‌رسید. پس از مرگ همسرش، زمام فرمانروایی را در دست گرفت و هنگام شرکت در لشکرکشی خشایارشا، پسری نیز داشت. نام همسر او در منابع مورد استناد باقی نمانده است. [۱،۴]

هرودوت، هنگام معرفی فرماندهان ناوگان، به‌طور ویژه از آرتمیس یاد می‌کند. به روایت او، این بانو نه بر اثر اجبار، بلکه با اراده و دلیری خود به لشکرکشی پیوسته بود. چنین توصیفی، در متنی که بخش بزرگی از آن به جنگ‌ها و فرماندهان مرد اختصاص دارد، توجه‌برانگیز است: آرتمیس در این گزارش، همراهی تشریفاتی یا شخصیتی حاشیه‌ای نیست؛ فرمانروایی است که نیرو فراهم می‌آورد، فرمان می‌دهد و مسئولیت تصمیم‌هایش را می‌پذیرد. [۱]

قلمرو فرماندهی او در گزارش هرودوت، هالیکارناس و نیروهای **کوس**، **نیسیروس** و **کالیدنا** را در بر می‌گیرد. بنابراین، عنوان دقیق‌تر او در شرح زندگی‌اش، فرمانروای هالیکارناس و رهبر نیروهای این حوزه است. جایگاه او در تاریخ ایران نیز به حضور سیاسی و نظامی‌اش در مجموعه شاهنشاهی هخامنشی و خدمتش در ناوگان خشایارشا بازمی‌گردد. [۱،۴]

ریشه نام آرتمیس؛ میان نام باستانی و برداشت‌های فارسی

نام این بانو در منابع یونانی به صورت **Artemisia** ثبت شده است؛ صورتی که در فارسی معمولاً «آرتمیسیا» و به شکل کوتاه‌تر و شناخته‌شده‌تر، «آرتمیس» نوشته می‌شود. آرتمیسیا از خانواده نام **آرتمیس**، ایزدانوی شناخته‌شده

در آیین یونانی، است. باید میان این شخصیت تاریخی و ایزدبانوی هم‌نام تمایز گذاشت: موضوع این مقاله، بانویی فرمانروا و فرمانده در روزگار خشایارشا است، نه یک شخصیت اسطوره‌ای. [۴، ۸]

در بررسی خاستگاه دورتر نام، چارلز آنتون در فرهنگ کلاسیک خود، نظریه‌ای را مطرح کرده که نام آرتمیس را احتمالاً با صورت‌های ایرانی «آرتا»، «آرت» و «آرته» پیوند می‌دهد و معانی‌ای مانند بزرگ، والا و مقدس را برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. تعبیرهایی چون «بانوی پاک» یا «بانوی بزرگ» در برخی نوشته‌های فارسی، از همین برداشت سرچشمه گرفته‌اند. [۶]

این دیدگاه را می‌توان به‌عنوان یکی از نظریه‌های مطرح‌شده در تاریخ ریشه‌شناسی نام نقل کرد؛ اما خود بیان احتمالی آنتون، با معرفی آن به‌عنوان معنایی قطعی تفاوت دارد. همچنین، «آرتا» در پارسی باستان و همتای اوستایی آن، «آشه»، در اصل با مفهوم راستی پیوند دارند. از شباهت آغاز دو نام، به‌تنهایی نمی‌توان همهٔ مراحل اشتقاق یا معنای دقیق آن‌ها را نتیجه گرفت. [۶، ۷]

در نتیجه، تعبیر «بانوی پاک و بزرگ» می‌تواند خوانشی ادبی و ستایش‌آمیز از نام آرتمیس باشد؛ در شرح واژه‌شناختی، بهتر است جایگاه آن به‌عنوان برداشتی مبتنی بر یک نظریه روشن بماند. ارزش تاریخی این بانو، در هر صورت، بیش از معنای احتمالی نامش، به کردار و جایگاه او وابسته است.

کاریا و جایگاه آرتمیس در شاهنشاهی ایران

کاریا در روزگار آرتمیس در قلمرو هخامنشی قرار داشت. این منطقه در سدهٔ پنجم پیش از میلاد، از نظر سازمان اداری با ساتراپی اسپاردا، یا لیدی، پیوند داشت؛ تبدیل‌شدن آن به ساتراپی جداگانه، به دوره‌ای متأخرتر و سدهٔ چهارم پیش از میلاد مربوط است. فرمانروایان محلی، در کنار ساختار اداری شاهنشاهی، در ادارهٔ شهرها و فراهم‌کردن نیرو نقش داشتند. [۵]

این زمینه برای شناخت آرتمیس اهمیت دارد. شاهنشاهی هخامنشی مجموعه‌ای از سرزمین‌ها، زبان‌ها و سنت‌های گوناگون بود و ادارهٔ آن، از جمله در بخش‌هایی از آسیای صغیر، با استفاده از خاندان‌ها و فرمانروایان بومی انجام می‌گرفت. وابستگی فرهنگی یک شهر به جهان یونانی، لزوماً به معنای هم‌سویی سیاسی آن با آتن یا دیگر دولت‌شهرهای مخالف ایران نبود. حضور آرتمیس در ناوگان خشایارشا را باید در همین ساختار فهمید. [۱، ۵]

از این منظر، تعبیر «بانوی دریاسالار ایران هخامنشی» به جایگاه او در تاریخ نظامی شاهنشاهی ایران اشاره دارد؛ جایگاهی که با خاستگاه هالیکارناسی و پیوندهای خانوادگی او با کرت منافاتی ندارد. این دو، دو جنبهٔ متفاوت از زندگی او هستند: یکی خاستگاه خانوادگی و فرهنگی، و دیگری نقش سیاسی و نظامی.

پنج کشتی؛ اعتباری فراتر از شمار آن‌ها

آرتمیس برای لشکرکشی خشایارشا **پنج کشتی جنگی** فراهم کرد. شمار کشتی‌های او در مقایسه با مجموعه ناوگان اندک بود، اما هروودت آن‌ها را از نظر شهرت و اعتبار، پس از کشتی‌های **صیدون** در جایگاهی ممتاز قرار می‌دهد. در همان بخش، او اندرزه‌های آرتمیس را نیز بهترین مشورت‌هایی می‌خواند که از سوی متحدان به پادشاه ارائه می‌شد. [۱]

کنار هم آمدن این دو نکته معنادار است: اعتبار آرتمیس تنها به حضور شخصی او محدود نبود؛ نیرو و کشتی‌های تحت فرمانش نیز خوش‌نام بودند. از این گزارش می‌توان دریافت که وزن یک فرمانده در سپاهی بزرگ، الزاماً با شمار نیروهایش یکسان نیست. کیفیت یگان، اعتماد به فرمانده و توان او در تشخیص موقعیت، می‌تواند اهمیتی فراتر از بزرگی ظاهری نیرو داشته باشد.

عنوان «دریاسالار» درباره آرتمیس، توصیفی از فرماندهی دریایی اوست. او فرمانده بخشی از ناوگان بود؛ هروودت فرماندهان عالی دیگر بخش‌های نیروی دریایی را نیز جداگانه نام می‌برد. بنابراین، مسئولیت‌های مستند آرتمیس را باید در **فرمانروایی محلی، فرماندهی دریایی و مشورت نظامی با شاه** جست‌وجو کرد، نه در مقام‌های امروزی مانند وزارت دفاع یا فرماندهی کل نیروی دریایی. [۱]

اندرز پیش از سالامیس؛ شجاعت مخالفت با نظر اکثریت

یکی از برجسته‌ترین بخش‌های زندگی آرتمیس، مشورتی است که پیش از نبرد سالامیس ارائه کرد. به روایت هروودت، خشایارشا از فرمانروایان و فرماندهان دریایی خواست درباره ورود به جنگ دریایی نظر دهند. **مردونیه** مأمور پرسیدن و انتقال نظرها شد. دیگران با نبرد موافقت کردند، اما آرتمیس نظری متفاوت داشت. [۲]

او ابتدا یادآور شد که در نبردهای پیشین نزدیک اوبویا، از نظر دلیری و خدمت کوتاهی نکرده است. سپس پیشنهاد کرد ناوگان بی‌جهت در معرض خطر قرار نگیرد. استدلال او این بود که خشایارشا به آتن دست یافته و برای ادامه پیشروی، الزاماً نیازی به پذیرفتن خطر یک نبرد دریایی تازه ندارد. به باور او، حفظ موقعیت و فشار زمینی می‌توانست اتحاد نیروهای یونانی را سست کند؛ زیرا آنان ناچار بودند به دفاع از شهرها و سرزمین‌های خود نیز بیندیشند. [۲]

مهم‌ترین بخش هشدارش، توجه به پیوند دو جبهه بود: **آسیب‌دیدن ناوگان ممکن بود سپاه زمینی را نیز با دشواری روبه‌رو کند.** در این استدلال، جنگ دریایی رویدادی جدا از کل لشکرکشی نبود؛ تصمیمی بود که پیامدهایش می‌توانست از دریا فراتر رود. [۲]

ارزش این موضع‌گیری در مخالفت‌کردن صرف نبود. آرتمیس برای نظرش دلیل می‌آورد و راه دیگری پیشنهاد می‌کرد. می‌توان این رفتار را نمونه‌ای از تفاوت میان احتیاط و ترس دانست: فرمانده محتاط، خطر را می‌سنجد تا نیرو را در جای مناسب به کار گیرد؛ فرمانده ترسان، تنها از رویارویی می‌گریزد. آرتمیس روایت هروودت، همان کسی است که با وجود مخالفت با تصمیم جنگ، پس از صدور فرمان در میدان حضور می‌یابد.

واکنش خشایارشا به سخنان آرتیمیس

هرودوت می‌نویسد که دوستان آرتیمیس از سخنان او نگران شدند؛ تصور می‌کردند مخالفت با جنگ، ممکن است خشم شاه را برانگیزد. در مقابل، کسانی که به جایگاه او حسادت می‌ورزیدند، امیدوار بودند این سخنان به زیانش تمام شود. اما واکنش خشایارشا، بنا بر همین گزارش، خلاف انتظار آنان بود: شاه از نظر آرتیمیس خشنود شد و بیش از پیش او را شایسته احترام دانست. [۲]

بااین‌حال، تصمیم نهایی بر پایه نظر اکثریت گرفته شد و فرمان نبرد صادر گردید. این بخش از داستان، میان دو موضوع تفاوت می‌گذارد: **ارج‌نهادن به یک مشاور، الزاماً به معنای پذیرفتن پیشنهاد او نیست.** آرتیمیس توانست نظر مخالف خود را بیان کند و اعتبارش را حفظ کند، حتی هنگامی که پیشنهادش مبنای اقدام قرار نگرفت. [۲]

سخنرانی او را باید به‌عنوان گفتاری که هرودوت در اثر خود بازپرداخته است خواند، نه صورت‌جلسه‌ای لفظ‌به‌لفظ از شورای جنگ. بااین‌همه، تصویری که این گزارش از او می‌سازد روشن است: فرمانده‌ای که خدمت به پادشاه را تنها در تأیید خواسته او نمی‌بیند و برای بیان تشخیص خود استقلال رأی دارد. [۴]



ستون زن پیکر در آتن



کاریا و مرکز آن شهر هالیکارناس، در دوران باستان.



ساتراپ کاریا و زمان و مکان جنگهای مابین سپاه ایران و یونان. برای بهتر دیدن تصویر بر روی آن کلیک کنید.



تصویری از آرتمیسیس یکم (دریا سالار ایرانی)

آرتمیسیس در میدان نبرد سالامیس

نبرد سالامیس با شکست ناوگان هخامنشی پایان یافت، اما گزارش‌های مربوط به آرتمیسیس، حضور او را در یکی از دشوارترین صحنه‌های این رویارویی برجسته می‌کنند. مشهورترین روایت هرودوت دربارهٔ عملکرد او، به زمانی مربوط است که کشتی‌اش در آشفته‌گی نبرد، تحت تعقیب یک کشتی آتنی قرار گرفته بود و کشتی‌های هم‌پیمان راه حرکتش را بسته بودند. [۲]

به نوشتهٔ هرودوت، آرتمیسیس در این وضعیت به کشتی هم‌پیمانی از **کالوندا** برخورد کرد و آن را غرق ساخت. **داماسیتیموس**، فرمانروای آن شهر، نیز در کشتی حضور داشت. فرماندهٔ آتنی با دیدن این صحنه تصور کرد کشتی آرتمیسیس یا یونانی است یا از صف نیروهای شاه جدا شده و به سود یونانیان می‌جنگد؛ بنابراین از تعقیب آن دست کشید. [۲]

هرودوت دربارهٔ انگیزهٔ دقیق این برخورد، یقین نشان نمی‌دهد. او احتمال اختلاف پیشین میان آرتمیسیس و داماسیتیموس را مطرح می‌کند، اما تصریح می‌کند که نمی‌داند برخورد از روی قصد قبلی بوده یا کشتی کالوندایی در مسیر او قرار گرفته است. همین احتیاطِ راوی، یادآور آن است که نباید جزئیات نامعلوم حادثه را با اطمینان بازسازی کرد. [۲]

در ادامهٔ روایت، خشایارشا و همراهانش از جایگاه تماشای نبرد، گمان می‌کنند آرتمیسیس کشتی دشمن را غرق کرده

است. همراهان شاه، کشتی او را از روی **نشانه مخصوص آن** شناسایی می‌کنند. در همین زمینه، هرودوت جمله مشهور زیر را به خشایارشا نسبت می‌دهد:

«مردانم زن شده‌اند و زنانم مرد.» [۲]

این عبارت با زبان و معیارهای جنسیتی روایت باستانی بیان شده است. در متن، مقصود آن برجسته‌کردن جسارت زنی است که عملکردش توجه شاه را جلب کرده بود. برای خواننده امروز، اهمیت آرتیمیس را می‌توان بدون این مقایسه نیز بیان کرد: توان تصمیم‌گیری و فرماندهی او، مستقل از زن یا مرد بودن، موضوع توجه قرار گرفته است.

فرماندهی که آتینان برای دستگیری‌اش جایزه گذاشتند

نکته‌ای دیگر در گزارش هرودوت، تعیین **ده‌هزار دراختا جایزه برای زنده‌گرفتن آرتیمیس** است. او توضیح می‌دهد که آتینان از حضور زنی در نیروی مهاجم خشمگین بودند و فرمانده تعقیب‌کننده، اگر می‌دانست آن کشتی حامل آرتیمیس است، به‌آسانی از تعقیب دست نمی‌کشید. آرتیمیس، بنا بر همان روایت، از این موقعیت جان سالم به در برد. [۲]

این گزارش نشان می‌دهد که حضور او برای طرف مقابل نیز امری عادی و بی‌اهمیت نبود. نام آرتیمیس تنها در حلقه فرماندهان همراه خشایارشا شناخته نمی‌شد؛ او در سوی دیگر نبرد نیز شخصیتی قابل‌توجه بود. در عین حال، توضیح هرودوت درباره انگیزه جایزه نشان می‌دهد که داوری درباره او، از انتظارات جامعه آن روزگار نسبت به نقش زنان جدا نبود.

اعتماد خشایارشا پس از نبرد

جایگاه آرتیمیس نزد شاه با پایان سالامیس از میان نرفت. هرودوت گزارش می‌کند که پس از نبرد، خشایارشا بار دیگر از او مشورت خواست؛ زیرا به یاد داشت که پیش از جنگ دریایی، نظر درست را او مطرح کرده بود. مسئله تازه این بود که شاه در یونان بماند یا به آسیا بازگردد و ادامه عملیات را به مردونیه بسپارد. [۳]

آرتیمیس بازگشت شاه را مناسب‌تر دانست. استدلال او این بود که اگر مردونیه در ادامه جنگ موفق شود، پیروزی به نام پادشاه خواهد بود؛ اما اگر نتیجه مطابق انتظار نباشد، شخص شاه و خاندان او از خطر مستقیم دور مانده‌اند. این بار، پیشنهاد آرتیمیس با تصمیم خشایارشا هم‌سو بود و مورد پذیرش قرار گرفت. [۳]

در تحلیل این مشورت، می‌توان توجه او را به فراتر از یک نبرد دید. مسئله فقط ادامه جنگ نبود؛ حفظ مرکز فرماندهی و جلوگیری از به‌خطر افتادن شخص پادشاه نیز اهمیت داشت. آرتیمیس در این صحنه، نه فقط فرمانده

کشتی، بلکه مشاوره سیاسی ظاهر می‌شود که پیامدهای پیروزی و ناکامی را برای ساختار قدرت می‌سنجد.

خشایارشا پس از این مشورت، انتقال شماری از پسران خود به **افسس** را به آرتامیس سپرد. این مأمریت، در کنار دعوت دوباره او به مشورت، نشانه‌ای روشن از اعتماد شاه به وی در روایت هرودوت است. [۳]

در گزارشی متأخرتر نیز **پلوتارک** می‌نویسد که آرتامیس پیکر برادر خشایارشا، از فرماندهان دریایی کشته‌شده در سالامیس، را میان بقایای نبرد شناخت و آن را به نزد شاه فرستاد. این روایت را باید جدا از گزارش هرودوت و با توجه به متأخر بودن منبع آن نقل کرد. [۹]

زندگی خانوادگی و تفاوت آرتامیس یکم با آرتامیس دوم

درباره سال دقیق تولد، زمان مرگ و سرگذشت آرتامیس پس از این لشکرکشی، اطلاعات مطمئن اندک است. در منابع متأخر، نام پسرش **پیسیندلیس** آمده و احتمال داده شده است که او جانشین مادر شده باشد. با این حال، جزئیات سال‌های پایانی زندگی آرتامیس روشن نیست و نمی‌توان برای آن‌ها شرحی قطعی فراهم کرد. [۴]

آنچه با اتکای بیشتری می‌توان درباره زندگی او نوشت، به فرمانروایی، مشارکت دریایی و رابطه مشورتی او با خشایارشا مربوط است. داستان‌های عاشقانه‌ای که گاه به این زندگی‌نامه افزوده می‌شوند، نباید با همین گزارش‌های تاریخی یکسان تلقی شوند.

همچنین، آرتامیس یکم را نباید با آرتامیس دوم اشتباه گرفت. آرتامیس دوم، همسر و جانشین ماوسول، در سده چهارم پیش از میلاد و بیش از یک سده پس از نبرد سالامیس حکومت می‌کرد. بخشی از روایت‌های مربوط به فرمانروایی و اقدامات این دو زن، در نوشته‌های عمومی با یکدیگر درآمیخته است. تفکیک آن‌ها، برای شناخت سهم تاریخی هر یک ضروری است. [۴، ۵]

بازتاب نام آرتامیس در هنر و معماری باستان

نام آرتامیس در گزارش‌های بعدی جهان یونانی نیز باقی ماند. **پاوسانیاس** در شرح شهر اسپارت، از بنایی موسوم به **ایوان پارسی** سخن می‌گوید که با غنایم جنگ‌های ایران ساخته شده بود. او از پیکره‌های مرمرین شخصیت‌های ایرانی و همراهان آنان یاد می‌کند و مشخصاً نام آرتامیس، دختر لیگدامیس و فرمانروای هالیکارناس، را می‌آورد. [۱۰]

وجود چنین گزارشی نشان می‌دهد که آرتامیس در حافظه تاریخی مربوط به جنگ‌های ایران و یونان، چهره‌ای شناخته‌شده باقی مانده بود. البته زمینه این بنا، نمایش پیروزی و غنیمت بود؛ بنابراین، حضور پیکره او را نباید بدون توجه به این زمینه، صرفاً نشانه تجلیل یونانیان از وی دانست.

داستان **ستون‌های زن‌پیکر**، یا **کاریاتیدها**، موضوعی جداگانه است. ویتروویوس در توضیح منشأ این ستون‌ها، از مجازات مردم **کاریائه** در **پلوپونز** به دلیل همراهی با ایرانیان سخن می‌گوید؛ این محل با **کاریا** در **آسیای صغیر**،

سرزمین آرتیمیس، یکسان نیست. [۱۱]

افزون بر این، در خزانه سیفونسیان در دلفی، که حدود ۵۳۰ تا ۵۲۵ پیش از میلاد ساخته شده بود، ستون‌های زن‌پیکر وجود داشت؛ یعنی چند دهه پیش از سالامیس. از این رو، نمی‌توان پیدایش این شیوه معماری را نتیجه انتقام از مردم تحت فرمان آرتیمیس پس از آن نبرد دانست. پیوند مستندتر نام او با معماری باستان، همان گزارش پواسانیاس درباره ایوان پارسی است. [۱۰، ۱۲]

بازگشت نام آرتیمیس به ناوگان ایران

نام آرتیمیس در تاریخ معاصر دریایی ایران نیز بازتاب یافت. در دهه ۱۹۶۰ میلادی، یکی از ناوشکن‌های بریتانیایی با نام پیشین HMS Sluys برای انتقال به نیروی دریایی ایران در نظر گرفته شد و نام **Artemiz**، آرتیمیس بر آن نهاده شد. این شناور در بریتانیا ساخته شده بود و در جریان انتقال به ایران، نوسازی شد. [۱۳]

این نام‌گذاری را می‌توان نمونه‌ای از پیوند نمادین نیروی دریایی معاصر ایران با گذشته دریایی شاهنشاهی هخامنشی دانست. نام زنی که در منابع باستانی با کشتی، فرماندهی و مشورت نظامی شناخته می‌شد، بار دیگر بر بدنه یک شناور ایرانی قرار گرفت.

اهمیت چنین یادکردی، در بازآوردن یک شخصیت تاریخی به حافظه عمومی است. آرتیمیس در این یادآوری، تنها نامی متعلق به گذشته نیست؛ نماینده تصویری از توانایی زنان در مسئولیت‌هایی است که معمولاً با فرماندهی مردان شناخته شده‌اند.

میراث آرتیمیس؛ دلیری همراه با خرد

از کنار هم گذاشتن گزارش‌های مربوط به آرتیمیس، سه جنبه از شخصیت او برجسته می‌شود: **حضور در میدان، استقلال در داوری و برخورداری از اعتماد سیاسی**. هرودوت او را هم در مقام فرمانده معرفی می‌کند، هم در جایگاه مشاوره که پیش از نبرد هشدار می‌دهد و هم در موقعیتی که پس از نبرد، دوباره برای تصمیمی مهم فراخوانده می‌شود. [۱، ۲، ۳]

در خوانشی از این زندگی‌نامه، شاید مهم‌ترین جلوه شجاعت او نه برخورد کشتی‌ها، بلکه لحظه‌ای باشد که در برابر نظر همگانی، اندیشه دیگری را بیان می‌کند. پذیرش مسئولیت، تنها به معنای اجرای فرمان نیست؛ گاه در آن است که انسان پیش از اقدام، خطر را ببیند و درباره‌اش سخن بگوید.

آرتیمیس به همین دلیل می‌تواند چهره‌ای الهام‌بخش در تاریخ ایران هخامنشی باشد: فرمانروایی که دلیری‌اش با قدرت تشخیص همراه بود و اعتبارش، تنها بر شمار کشتی‌های تحت فرمانش استوار نبود.

میراث ماندگار آرتیمیس، تصویر زنی است که هم توان ایستادن در میدان را داشت و هم شهامت اندیشیدن برخلاف

جریان را؛ و این همراهی دلیری و خرد، برجسته‌ترین ویژگی اوست.

منابع و مآخذ

۱. **هرودوت**. تواریخ، کتاب هفتم، بندهای ۸۹ تا ۹۹، به‌ویژه بند ۹۹؛ درباره ترکیب ناوگان، فرماندهان، تبار آرتمیس، قلمرو فرمانروایی، پنج کشتی و اعتبار مشورت‌های او. ترجمه انگلیسی ا. د. گادلی، مجموعه لوئب؛ متن در پایگاه LacusCurtius، دانشگاه شیکاگو. (Penelope)
۲. **هرودوت**. تواریخ، کتاب هشتم، بندهای ۶۷ تا ۶۹، ۸۵ تا ۸۹ و ۹۳؛ درباره شورای پیش از نبرد، اندرز آرتمیس، واکنش خشایارشا، رویدادهای سالامیس و جایزه دستگیری او. ترجمه انگلیسی ا. د. گادلی، مجموعه لوئب؛ پایگاه LacusCurtius، دانشگاه شیکاگو. (Penelope)
۳. **هرودوت**. تواریخ، کتاب هشتم، بندهای ۱۰۱ تا ۱۰۴ و ۱۰۷؛ درباره مشورت پس از سالامیس و مأموریت انتقال پسران خشایارشا به افسس. ترجمه انگلیسی ا. د. گادلی، مجموعه لوئب؛ پایگاه LacusCurtius، دانشگاه شیکاگو. (Penelope)
۴. **اشمیت، رودیگر** – ARTEMISIA. «Schmitt, Rüdiger». دانشنامه ایرانیکا؛ به‌روزرسانی ۱۴ مه ۲۰۱۸. بررسی زندگی آرتمیس، نقش نظامی و سیاسی او، محدودیت اطلاعات موجود و تمایز او از آرتمیس دوم. (Iranica Online)
۵. **وایسکف، مایکل** – CARIA. «Weiskopf, Michael». دانشنامه ایرانیکا، جلد چهارم، دفتر هفتم، صفحات ۸۰۶ تا ۸۱۲، ۱۹۹۰. درباره جایگاه کاریا در ساختار هخامنشی، فرمانروایان محلی و تشکیل ساتراپی جداگانه در دوره بعد. (Iranica Online)
۶. **آنتون، چارلز** – Artemis. «Anthon, Charles». در A Classical Dictionary، نیویورک: Harper & Brothers، چاپ ۱۸۵۵، صفحه ۲۱۰. مآخذ نظریه پیوند احتمالی نام آرتمیس با صورت‌های ایرانی «آرتا، آرت، آرته». (Google Books)
۷. **دانشنامه ایرانیکا**. مدخل «AŠA»، جلد دوم، دفتر هفتم، صفحات ۶۹۴ تا ۶۹۶، ۱۹۸۷. درباره مفهوم «راستی» و صورت‌های اوستایی و پارسی باستان این واژه. (Iranica Online)
۸. **PBS**. «Artemisia, Warrior-Queen of Halicarnassus». از مجموعه The Greeks؛ برای معرفی آرتمیس و ارتباط نام او با نام ایزدبانوی آرتمیس. (PBS)
۹. **پلوتارک**. زندگی تمیستوکلس، فصل ۱۴، بندهای ۳ و ۴؛ درباره کشته‌شدن برادر خشایارشا و گزارش شناسایی و انتقال پیکر او به دست آرتمیس. متن در پایگاه LacusCurtius، دانشگاه شیکاگو. (Penelope)

۱۰. **پاوسانیاس**. توصیف یونان، کتاب سوم، فصل ۱۱، بند ۳؛ دربارهٔ ایوان پارسی در اسپارت و پیکرهٔ آرتمیس. متن در مجموعهٔ [Theoi Greek Mythology](#). (Theoi Classical Texts Library)

۱۱. **ویتروویوس**. ده کتاب دربارهٔ معماری، کتاب نخست، فصل نخست، بند ۵؛ روایت مربوط به کاربانه و ستون‌های زن‌پیکر. ترجمهٔ انگلیسی موریس هیکی مورگان؛ متن در پروژهٔ گوتنبرگ. ([Project Gutenberg](#))

۱۲. **پایگاه رسمی محوطهٔ باستان‌شناختی دلفی، وزارت فرهنگ یونان**. «The Siphnian Treasury»؛ برای تاریخ ساخت خزانهٔ سیف‌نوسیایان و وجود ستون‌های زن‌پیکر پیش از نبرد سالامیس. ([Archaeological Site of Delphi](#))

۱۳. **میسن، جفری بی**. — **Mason, Geoffrey B.** «HMS Sluys (R 60): Battle-class Destroyer». به کوشش گوردون اسمیت، پایگاه [Naval-History.net](#)؛ تاریخچهٔ شناور، انتقال به ایران و نام‌گذاری آن به آرتمیس. ([naval-history.net](#))

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آرتمیس یکم؛ بانوی دریاسالار ایران هخامنشی»، پارسیان دژ، ۱۴۰۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1525/pdf/artemisia.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵